



# عدن شیطان

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۶۵-۰۸۲۹

# عدن شیطان

ویلیام ماریون برانهام  
جفرسونویل، ایندیانا  
۶۵-۰۸۲۹

## Satan's Eden

William Marrion Branham  
Jeffersonville, Indiana  
65-0829



[www.bargozidegan.net](http://www.bargozidegan.net)

۱- سرهایمان را خم می‌کنیم. خداوند عزیز! سپاسگذار تو هستیم که امشب این فرصت بزرگ را در اختیار ما قرار دادی تا یک‌بار دیگر در نام خداوند عیسی جمع شویم؛ تا در اینجا، در این میدان نبرد با دشمن خود و دشمن تو از طریق کلام روبرو شویم و او را از میان قوم تو بیرون برانیم؛ تا آنها امشب بتوانند نور انجیل را ببینند. ای خداوند! دعا می‌کنم که تو امشب چشمان ما را مسح کنی که بر روی حقیقت گشوده شود، تا هنگامی که اینجا را ترک می‌کنیم، نگوییم: "آیا دل در درون ما نمی‌سوخد وقتی که در راه با ما تکلم می‌نمود؟" بیماران و مبتلایان ما را شفا بده. پاهای سست را استوار نما. دستان ضعیف را که افتاده است، بلند کن. باشد تا در انتظار آمدن خداوند عیسی باشیم، که ایمان داریم بسیار نزدیک است. به نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

بفرمایید بنشینید.

۲- تلاش می‌کنم که امشب مطالب را خلاصه بیان کنم، چون می‌دانم که بسیاری از شما از بخش‌های مختلف کشور در اینجا جمع شده‌اید و یا اینجا اقامت کرده‌اید و بعضی از شما باید این مسیر را برگردید و به این خاطر از شما سپاسگذارم. امروز صبح می‌خواستم که خودم به پیغام برادر نوبل<sup>۱</sup> گوش کنم. بارها به پیغام‌های او گوش کرده‌ام و هیچ‌وقت چیزی به جز قدردانی برای گفتن نداشته‌ام. اما امروز صبح هنگام پیغام، خدا من را هدایت کرده بود

---

<sup>۱</sup> Brother Nevill خادم خیمه‌ی برانهام

که به آن پیغام گوش کنم. و اکنون می‌دانم که چرا شما برای شنیدن موعظت‌ها به اینجا می‌آید و او همیشه به نیکویی شما را خدمت می‌کند.

۳- امروز صبح و بعد از ظهر تلاش می‌کردم تا ملاقات‌های عقب مانده را انجام دهم، هنوز هم تعداد بسیار زیادی باید انجام شود و من...

۴- به گمانم، بله فکر کنم این یترون بود که به موسی گفت: "این کار برای تو دشوار است." "خُب، ما برادران بسیاری را اینجا داریم که می‌توانند پاسخگوی مشکلات شما باشند. همه‌ی آنها دارای این صلاحیت هستند که به این امور رسیدگی کنند و من می‌توانم شبانمان و یابرادران دیگر را به شما توصیه کنم. می‌توانید به ایشان مراجعه کنید. آنها می‌توانند دقیقاً به شما بگویند که باید چه بکنید. بعضی افراد، فرزندانشان ازدواج‌هایی با بی‌ایمانان و یا... داشته‌اند که اشتباه بوده است و این مردان می‌توانند مثل هرکس دیگری به شما کمک کنند. زیرا ایشان خادمین مسیح هستند. به آنها مراجعه کنید و من مطمئن هستم که آنها بهترین کمکی را که به آن نیاز دارید به شما خواهند داد. من نمی‌توانم که به همه‌ی مسائل رسیدگی کنم. هر جا که وارد می‌شوم تعداد زیادی از این درخواست‌ها وجود دارند. می‌دانید، هر روز و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود و شما می‌خواهید که به همه‌ی آنها رسیدگی کنید، ولی نمی‌توانید. ولی من دائم دعا می‌کنم، تا به هر نحو ممکن، خدا این امر را میسر سازد.

۵- حال، امشب می‌خواهیم تا کلام را بخوانیم. می‌خواهیم بخشی از کلام را در باب سوّم کتاب پیدایش با هم بخوانیم و به موضوعاتی که در گذشته در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، اشاره کنیم و ببینیم که خدا امروز هنگام خروج از اینجا چه چیز بیشتری را به ما آموخته است. دعا می‌کنم، دعا می‌کنم که چنین کند.

"<sup>۱</sup> و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن

گفت: "آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟" <sup>۲</sup> زن به مار گفت: "از میوه درختان باغ می خوریم، <sup>۳</sup> لکن از میوه‌ی درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید. <sup>۴</sup> مار به زن گفت: "هر آینه نخواهید مرد، <sup>۵</sup> بلکه خدا می داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود." <sup>۶</sup> و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و بنظر خوشنما و درختی دلپذیر و دانش‌افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد. <sup>۷</sup> آنگاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند. پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشان ساختند." <sup>۲</sup>

۶- خداوند کلام خویش را مبارک بسازد. حال تمایل دارم تا امشب متنی را از این بخش بردارم و آن را «عدن شیطان» بنامم. گفتن عبارت عدن شیطان کمی ناخوشایند است. این به نوعی با یکی از یکشنبه‌ها که در مورد «فیلتر یک مرد عاقل» و «شوق یک مرد مقدس» صحبت می‌کردم، منطبق است.

۷- گاهی اوقات این اصطلاحات ناخوشایند، ما را به کلام بازمی‌گرداند و وادار به مطالعه و خواندن کلام می‌نماید، و این چیزی است که می‌خواهم تمام جماعت انجام دهند. "انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد." <sup>۳</sup> پس کلام را بخوانید و مطالعه کنید، تا به شما این فهم و حکمت را بدهد، که باید در این روزها چگونه زندگی کنید.

۸- امشب اینجا نیامده‌ایم تا فقط بگوییم: "می‌توانستیم این کار یا آن کار را انجام دهیم..."

۹- به همان اندازه‌ای که دوست دارم تا به خانه‌های شما بیایم، دوست دارم تا با قوم

صحبت کنم. من... خدا می‌داند که این حقیقت است. می‌دانید، دوست دارم با تک تک شما به خانه بروم و، و... با شما صبحانه بخورم و با هم به شکار سنجاب برویم. دوست دارم این کار را بکنیم. ولی نمی‌توانم این را انجام دهم. دوست دارم که بعد از جلسه به خانه بروم و مدتی را با شما صحبت کنم. بعد از جلسه در بالکن بنشینیم و با شما از خدا و آرامش خداوند صحبت کنم. عاشق انجام این کار هستم. خانم‌ها و آقایان حاضر در اینجا! خدا می‌داند که دوست دارم این کار را انجام دهم، ولی نمی‌توانم این کار را بکنم. می‌بینید، چنین فشار و کششی وجود دارد.

۱۰- در این دوران متشنجی که در آن زندگی می‌کنیم... امروز افکار خود را روی یک چیز متمرکز می‌کنم و با خود می‌گویم: "باید حتماً این کار را انجام دهم." و فردا این کار هزاران مایل از من فاصله دارد. چیزی آن را مغشوش ساخته است، و این کار یا آن کار انجام شده است.

۱۱- ولی موفقیت اصلی من در این است که انجیل را در سرتاسر کلیسا موعظه کنم و برای جلال نام عیسی مسیح تا زمانی که روی زمین هستم و فرصت در اختیار دارم، هر کار که می‌توانم انجام دهم. آمده‌ام چیزی را برای شما بازگو کنم، که می‌تواند به شما کمک کند. امروز صبح بعد از اینکه به خانه رفتم، در حال مطالعه بودم و با خود می‌گفتم: "خداوندا! امشب چه چیزی می‌توانم بگویم که بتواند به این مردم کمک کند؟"

۱۲- امروز صبح به پیغامی که برادر نویل برای ما آورد گوش می‌کردم که در مورد... به نظرم بسیار عالی بود، چنانکه او گفت: "یک پزشک بیماری را تشخیص می‌دهد؛ ولی کسی که با وسایل تزریقات وارد می‌شود، تزریق را انجام می‌دهد." و به نظرم مثال بسیار بسیار زیبایی بود. در مورد آن فکر می‌کردم «یک سرم، بعد از تشخیص»، و این مورد بسیار خوبی است.

۱۳- می‌خواستم با شما در مورد چیزی صحبت کنم تا وعده‌ی خدا برای این عصر را برای شما روشن کند. می‌دانید؟ یک چیز، نه چیزی که مربوط به کسی در زمانی دیگر باشد. بلکه چیزی که... اگر یک زمان به آنها مراجعه کنیم، همه‌ی امور بسیار درست باشد. ولی با خود فکر کردم، می‌توانم چیزی را در ذهن شما بیاورم که متوجه آن شوید و شما را در میدانی که اکنون در آن در حال مبارزه هستید، به سربازی بهتر تبدیل سازد و تاکتیک‌های دشمن را بیاموزید تا بتوانید تمام راه‌هایی را که او در نظر شما می‌آورد، مسدود سازید. می‌بینید. این هدف و نکته‌ی اصلی است. یعنی تا جایی که، بتوانید این اثرات و ضربات را از خود دور سازید.

۱۴- حال بیایید چند لحظه... برای چند دقیقه به این موضوع نگاه کنیم. به این ایام پرگناه و عظیمی که اکنون در آن زندگی می‌کنیم. گمان نمی‌کنم که هرگز در تاریخ چنین دورانی وجود داشته است و یا من در مورد آن خوانده باشم... روزهای بدی وجود داشته‌اند که فرزندان خدا، هر جایی به مرگ سپرده می‌شدند. اما برای شناخت حیل‌های دشمن، هرگز دورانی مانند عصری که در آن زندگی می‌کنیم، نداشته‌ایم. این دوران فریبنده‌ترین و پرمکرت‌ترین دوره است. وقتی این را می‌بینم به این نتیجه می‌رسم که در این زمانه، یک مسیحی باید بیش از هر زمان دیگری در مبارزه و دعا باشد.

۱۵- حال، در دوران جفاها نسبت به کلیسا، اگر یک مسیحی در رُم دچار یک اشتباه می‌شد و به سبب شهادت وی متوجه می‌شدند که مسیحی است، او را جلوی شیران می‌انداختند و خوراک آنها می‌شد. اما روح وی نجات یافته بود. زیرا او یک ایماندار ناب بود که با هیچ چیز دیگری درگیر نشده بود، به خدا ایمان داشت و با شادی شهادت خویش را با خون خود مهر می‌کرد. هنگامی که رگ‌هایش پاره و بدنش سوراخ می‌شد و خون وی جاری می‌گشت، او می‌توانست با ایمانی راسخ فریاد برآورد: "خداون عیسی! روح من را بپذیر."

۱۶- ولی اکنون مکر و حيله گری شیطان، مردم را وادار می‌سازد باور داشته باشند که مسیحی هستند، درحالی که چنین نیستند. موضوع این است. امروز مجبور نیستید که با خون خود... این دوران فریبکارانه‌تر از آن چیزی است که تابحال بوده است. یعنی زمانی که می‌بایست شهادت خود را با خون خویش مهر می‌کردید. شریر هر دام فریبکارانه‌ای را که می‌توانست، گسترده است... زیرا او اغواگر است. عیسی در متی ۲۴ به ما گفت که در این ایام که ما در آن زندگی می‌کنیم، چگونه فریبکارانه‌ترین دورانی خواهد بود که تابحال وجود داشته است. "چنان نزدیک خواهند بود که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌کرد."<sup>۴</sup>

۱۷- حال بیاید چند بخش کتاب مقدس و نبوت‌هایی که در مورد این زمان گفته شده است را با هم مقایسه کنیم و آنها را با دورانی که زیست می‌کنیم، مقایسه نماییم.

۱۸- در دوم تیموتائوس باب سوم این را می‌آموزیم، جایی که نبی می‌گوید: "واقع خواهد شد که در ایام آخر مردمان، خیانتکار و تندمزاج و مغرور که عشرت را بیش از خدا دوست می‌دارند..."<sup>۵</sup> حال تنها برای چند لحظه آن را با امروز مقایسه نمایید. ما خلاصه‌وار به آن می‌پردازیم. زیرا آن‌قدر زمان نداریم تا چنانکه لازم است آن را کاملاً توضیح دهیم، ولی شما آن را علامت بزنید تا هنگامی که به منزل رسیدید بتوانید به مطالعه‌ی آن پردازید. "بی الفت و کینه دل و غیبت گو و ناپرهیز و بی مروّت و متنفّر از نیکویی و خیانتکار و تندمزاج و مغرور که عشرت را بیش از خدا دوست می‌دارند." روح بسیار بی‌پرده و صریح از آنچه در ایام آخر باید واقع شود سخن گفته است. این... همین دوران است. نبوت در مورد آن صحبت می‌کند.

۱۹- حال، همچنین در کتاب مکاشفه می‌خوانیم، مکاشفه باب ۳ از آیه‌ی ۱۴، در مورد

<sup>۴</sup> متی ۲۴ : ۲۴<sup>۵</sup> دوم تیموتائوس ۳ : ۴



کلیسای لائودیکیه و اینکه کلیسا در این دوره چگونه خواهد بود، و می‌گوید: "مانند بیوه زنان نشسته و محتاج به چیزی نیست. دولت‌مند... و دولت اندوخته است و نمی‌داند که فقیر و مسکین، بدبخت، خوار و کور و عریان هستند. این را نمی‌دانستند." حال به خاطر داشته باشید، او با کلیسای این دوره صحبت می‌کند. "عریان و کور و مسکین و... و این را نمی‌داند." عبارت آخر، آن کلمه‌ی آخر چیزی است که برجسته می‌شود. آنها فکر می‌کنند که بخوبی از روح پُر شده‌اند و اکنون مهیا هستند. کلیسای دوری لائودیکیه، کلیسای دوران پنطیکاست است. زیرا آخرین دوران کلیسا می‌باشد. لوتر و پیغامش؛ وسلی و پیغامش و پنطیکاست و پیغامشان.

۲۰- همچنین گفته است که: "زیرا که فاطر هستی، نه سرد و نه گرم." هیجانان خارجی، تصورات ذهنی از انجیل، و او گفت: "لهذا چون چنین فاطر هستی، تو را از دهان خود قی می‌کنم." او از دیدن کلیسا در این وضعیّت خشنود نیست.

۲۱- و بخاطر داشته باشید در این دوری مهیب لائودیکیه، آنها او را قی نمودند، او خارج از کلیسا بود و تلاش می‌کرد تا به داخل بازگردد.

۲۲- خدای امروز جهان، کسی که امروز در جهان پرستش می‌شود، شیطان است. مردم در جهالت پرستش شیطان هستند. ولی این شیطان است که خود را بعنوان کلیسا جا زده است. می‌بینید؟ به جای کلیسا. آنها شیطان را پرستش می‌کنند درحالی که تصوّر می‌کنند در کلیسا و درحال پرستش خدا هستند، ولی این راهی است که شیطان آن را انجام داده است. شما می‌گویید: "اوه! یک دقیقه صبر کن. ولی ما کلام را موعظه می‌کنیم."

۲۳- به متنی که خواندیم خوب نگاه کنید. شیطان اولین کسی بود که کلام را برای حوّا موعظه نمود. "خدا گفته است."

۲۴- این آن تفسیر غلط از آن بخش کلام است که فراخور این دوره است. او به شما می گوید که تمام آنچه عیسی انجام داد، کاملاً درست است. به شما می گوید که هر آنچه موسی انجام می داد، درست و خوب بود. اما هنگامی که شما وعده‌هایی را که آنها برای این دوران داده‌اند را می‌پذیرید، آن وقت می‌گویند که آن مربوط به یک دوره‌ی دیگر بوده است. این درست تمام کاری است که او باید انجام بدهد. می‌بینید؟ یعنی قوم را وادار سازد تا آن را به این صورت بپذیرند و به آن ایمان داشته باشند. زیرا "نمی‌توانید کلامی از آن کاسته و یا به آن بیفزایید." ولی این کاری است که او انجام می‌دهد.

۲۵- جماعت، جاهلانه شیطان را می‌پرستند. تصوّر می‌کنند که درحال پرستش خدا هستند. درست به همان صورتی که در دوّم تسالونیکیان توسط نبوت به ما هشدار داده شده است. بیاید آن را با هم بخوانیم. دوّم تسالونیکیان باب دوّم. بیاید به سرعت و فوراً آن را بخوانیم.

«اما ای برادران! از شما استدعا می‌کنیم، درباره‌ی آمدن خداوند ما عیسی مسیح... و جمع شدن ما به نزد او.»

۲۶- می‌بینید، «آمدن خداوند و جمع شدن به نزد او» چنانکه خدا قوم خود را در ایام آخر به نزد خود جمع خواهد نمود. «جمع شدن قوم به نزد خداوند» به نزد خداوند، نه به نزد کلیسا، «نزد خداوند؛ با هم به نزد او».

"که شما از هوش خود بزودی متزلزل نشوید و مظطرب نگردید، نه از روح و نه از کلام و نه از رساله‌ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز مسیح رسیده است.

زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفریید، زیرا که تا آن ارتداد، اول واقع نشود و آن مرد شریر... " حال ببینید مرد شریر چیست... «آن مرد شریر یعنی فرزند هلاکت ظاهر نگردد.» که یهودا بود. می‌بینید؟

"که او مخالفت می کند و خود را بلندتر می سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، بحدی که مثل خدا در هیكل نشسته، خود را می نمایاند که خداست."<sup>۷</sup>

۲۷- همان حيله گری کیسای امروز! «فرزند هلاکت» شیر، «فرزند هلاکت» شیر. پس، قوم در این دوره در حال پرستش شیطان است و تصوّر می کند که خدا را عبادت می کند. اما آنها او را از طریق یک آیین عبادت می کنند، یک فرقه‌ی انسانی و آیینهایی که قوم را به عظیمترین نیرنگ و فریبی که جهان تابحال شناخته، کشانده است. مهم نیست که کلام خدا برای این دوره چقدر وعده داده است، و یا موعظه شده و آشکار شده است. آنها همچنان آن را باور نخواهند کرد. آنها آن را باور نخواهند کرد.

۲۸- پس چرا؟ تعجب می کنیم، چرا؟ چرا نمی شود؟ چرا آنها باور نخواهند نمود؟ در حالی که خدا گفته است کار مشخصی را انجام خواهد داد و آن را انجام می دهد، و آنها همچنان به آن پشت کرده و از آن رویگران می شوند. درست به همان صورتی که حوا می دانست خدا چه گفته است، اما به آن پشت کرد، تا به چیز دیگری گوش کند.

۲۹- بخاطر داشته باشید، در سایر دوران همیشه به همین صورت بوده است، در هر دوره‌ای، همیشه چنین بوده است که شیطان تلاش نموده تا آن کلام را تحریف کند و آنها را وادار سازد تا دوره‌ی دیگری را ببینند، نه آن دوره‌ای که در آن زیست می کنند و نه وعده‌ی مربوط به آن دوره را.

۳۰- نگاه کنید، هنگامی که عیسی آمد، شیطان در بین آن معلمان یهودی، ربی‌ها و کاهنان بود و تلاش می کرد به آنها بگوید که به شریعت موسی پایبند باشند. در حالی که همان کلام گفته بود که پسر انسان آشکار خواهد شد. می بینید، که خود را آشکار خواهد ساخت. از اینرو، آنها در تلاش بودند تا به مذهب خود و شریعت موسی پایبند

باشند. می‌بینید شیطان چه می‌کرد؟ او تلاش می‌کرد تا به آنها بگوید: "این بخش کلام کاملاً درست است، ولی این مرد آن فرد مورد نظر نیست." می‌بینید که او چقدر مکار است؟ این، همان روز فریبکاری است.

۳۱- چنین بوده و هست. شیطان در حال برقرار کردن پادشاهی خود بر زمین است. دقیقاً به همین دلیل است که او چنین می‌کند. زیرا می‌خواهد که پادشاهی خود را برقرار سازد.

۳۲- بعنوان مثال، یک تاجر غیر مسیحی، هر تلاشی را خواهد کرد تا بتواند به هر ترتیبی شما را وادار سازد چیزی را در مسیر نادرست ببینید و یا دریابد. اگر او هدف و یا منفعت شخصی در وادار ساختن شما به آن بیابد، شما را وادار می‌سازد که آن را آن‌گونه ببینید. او هر چیزی که بتواند به شما نشان خواهد داد و شما را از حقیقت دور نگاه می‌دارد. زیرا او تنها به خود فکر می‌کند. مهم نیست که او چقدر دروغ می‌گوید و تقلب می‌کند. او دنبال منافع شخصی است.

۳۳- به همین دلیل است که شیطان این کار را کرده است. او تلاش کرده است تا از طریق یک خدمت این کار را انجام دهد. به همان صورتی که خدا وعده‌ی انجام آن را داده بود. او در باغ عدن کار خود را با یک فریب مذهبی آغاز نمود و تاکنون هم آن را ادامه داده است.

۳۴- نه از طریق برقرار ساختن مشتی کمونیست. کمونیست‌ها هیچ ارتباطی با این موضوع ندارند. این به کلیسا مربوط است. این جایی است که شما باید به آن نظر کنید. این کمونیست‌ها نیستند که برگزیدگان را فریب می‌دهند. بلکه این کلیسا است که برگزیدگان را فریب خواهد داد. کمونیست‌ها نیستند. می‌دانیم که آنها خدا را انکار می‌کنند و ضد مسیح هستند. ولی ضد مسیح اصلی نیستند. ضد مسیح، مذهبی است و می‌تواند از کتاب مقدس نقل قول کند و آن را در جهت منافع خویش به نمایش درآورد.

۳۵- درست به همان صورتی که شیطان در ابتدا انجام داد. او همه چیز را چنین نقل قول می‌کرد: "خداوند گفته است که از تمام درختان باغ نخورید؟" می‌بینید، علناً این را نقل قول می‌کرد.

۳۶- حوا گفت: "از میوه‌ی درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه‌ی درختی که وسط باغ است، خدا گفت از آن مخورید و آن را لمس نکنید مبادا بمیرید."

۳۷- او گفت: "هرآینه نخواهید مرد، ولی بگذار دلیل اینکه خدا به تو چنین گفته است را به تو بگویم... می‌بینید، حالا چطور؟ او این حقیقت را نقل کرد. او گفت: "این چشمان شما را باز کرده و عارف به نیک و بد خواهید شد، از اینرو اگر چنین کنید مانند خدا خواهید شد."

۳۸- این درست همان کاری است که او می‌خواهد انجام دهد و دقیقاً همان کاری است که امروز تلاش می‌کند انجام دهد. از همان ابتدا در عدن و تا به کنون یک فریب مذهبی وجود داشته است. در زمان آدم، این یک فریب بود. در زمان نوح، یک فریب بود. در زمان عیسی، همان‌گونه بود و اکنون نیز به همان صورت است. همان طریقی، یک فریبکاری مذهبی!

۳۹- حال ما به جهان زمانی که خدا آن را تحت کنترل داشت نگاه می‌کنیم. اکنون، زمانی که خدا آن را در کنترل داشت... آن را در کنترل خود داشت. هنگامی که شیطان با رد کردن کلام خدا بر آن مسلط شد، خدا یک زمان آن را تحت کنترل خود داشت. او زمین و جهان را بر مدار خود قرار داد و آن را به کار گرفت. او همه کار را انجام داد و آن را در کنترل داشت. حال ما آن را با زمانی که شیطان کنترل آن را در دست گرفت، مقایسه می‌کنیم.

۴۰- حال، این برای خدا شش هزار سال طول کشید. این برای او طول نکشید، بلکه او

در این مدّت آن را انجام داد. شش هزار سال، زیرا آموخته‌ایم که نزد خدا «یک روز مانند هزار سال است». این در طی شش هزار سال و یا شش روز بود که خدا جهان را آفرید. حال، شش هزار سال زمان برد تا خدا زمین را از بذرهای نیکو پر سازد تا هریک از نوع خود میوه بیاورد و زمین خلق شود. هرچیز باید از نوع خود رویش می‌کرد. تمام بذرهای او نیکو بودند، پس می‌بایست میوه‌ی نوع خود را می‌آورد. خدا شش هزار سال وقت صرف کرد.

۴۱- سرانجام زمانی که او آن را خلق کرد و بوجود آورد، و سرانجام... سرانجام رسید به محل فرماندهی، محل فرماندهی بر روی زمین، در یک منطقه‌ی زیبا در شرق عدن که نامش باغ عدن بود. خدا مقرر فرماندهی تمام دنیا را در باغ عدن قرار داد. در مصر، آن مقرر درست در منتهی الیه شرق باغ قرار داشت.

۴۲- و فراتر از هر موقعیت و جایگاهی، او پسر خویش و همسر پسر خویش را فوق از همه‌ی آنها قرار داد. درست است. این کاری است که خدا انجام داد. به آنها تمام قدرت و کنترل را داد. آنها به باد تکلم می‌کردند و باد می‌بایست می‌وزید. آنها با درخت تکلم می‌کردند و باید از اینجا به آنجا منتقل می‌شد.

۴۳- شیر و گرگ باهم غذا می‌خوردند و برّه در کنار آنها می‌خوابید. هیچ بدی وجود نداشت، بلکه یک سلامتی و صلح کامل. یک هارمونی کامل وجود داشت و زمانی که خدا کنترل همه چیز را داشت، همه چیز در کمال بود. توجه کنید، او جهان خود را داشت، همه چیز را به عمل گماشته بود. همه از گیاهان خوراک می‌خوردند و هیچ مرگی وجود نداشت. هیچ چیز فاسد و تباه نمی‌گشت. همه چیز... همه چیز کامل بود.

۴۴- و مافوق از همه‌ی اینها، او فرزندان محبوب خود را قرار داد، دختر و پسرش را، یک شوهر و یک همسر، تا تمام اینها را در تسلط داشته باشند.

۴۵- خدا از همه چیز راضی بود! "و در روز هفتم از همهی کار خود که ساخته بود آرامی گرفت." <sup>۱</sup> و روز هفتم، یعنی سبت را برای او تقدیس نمود.

۴۶- زیرا خدا به همه چیز نظر کرد؛ بعد از اینکه شش هزار سال آن را شکل داد و بوجود آورد و کوهها را برافراشت، و تمام آن اموری که انجام شد. آتشفشانها و... که باعث بالا رفتن کوهها شدند و تمام آنها را به روش خویش بنیاد نهاد. و این مکان چه زیبا و باشکوه بود.

۴۷- هیچ چیز شبیه این وجود نداشت. بهشت عظیم خداوند! دایناسورهای عظیم الجثه و هرچیز دیگری با خزندگان که در آن می خزیدند و هیچ آسیبی از جانب حیوانات بزرگتر به آنها نمی رسید. همهی حیوانات مانند یک بچه گریه ای آرام و اهلی بودند. اصلاً هیچ چیزی نداشتند، نه بیماری، نه غم، نه میکروب و یا هرچیز دیگری در جهان نبود. اوه! چه مکان باشکوهی!

۴۸- پرندگان از درختی به درختی دیگر می پریدند و آدم می توانست هریک را به نام بخواند و آنها بر شانهی او می نشستند و نغمه سر می دادند. اوه! خدا چه مکان عالی ای را داشت.

۴۹- سپس، یکی از صفات خود را در بدن خویش ساخت. خدا در بدن خویش دارای صفت است.

۵۰- مانند اینکه شما نیز یک صفت از پدر خود هستید، و توجه داشته باشید که شما در پدر بزرگ پدر بزرگ پدر بزرگ خود نیز بوده اید. ولی معمولاً می گویند که شما شبیه پدر خود هستید. حال، شما زمانی که در پدر خود بودید چیزی نمی دانستید. منشاء حیات از جنس مذکر می آید. مذکر دارای سلول خونی است؛ و زن دارای تخمدان است. حال، بنابراین سلول خونی در خود دارای حیات است. پس هنگامی که شما در پدر خود

<sup>۱</sup> پیدایش ۲: ۲

بودید، واقعاً چیزی در این مورد نمی‌دانستید. اما در عین حال علم و کلام خدا اثبات می‌کنند، که شما در پدر خود بوده‌اید؛ ولی در این مورد چیزی نمی‌دانستید.

۵۱- ولی پدر اشتیاق داشت تا شما را بشناسد. پس با اتحاد ارتباط در مادر، شما به پدر شناسانده شدید. حالا شما صفت پدر خود هستید. شما شبیه او هستید و بخش‌هایی از بدن خود را می‌بینید که شبیه او است.

۵۲- حال، این طریقی است که خدا در ابتدا بود. هر یک از پسران و دختران خدا، در ابتدا در خداوند بوده‌اند. الآن آن را بخاطر نمی‌آورید ولی شما آنجا بوده‌اید. او این را می‌دانست و می‌خواست تا بوجود آید. تا بتواند با شما ارتباط داشته باشد، با شما صحبت کند، به شما عشق بورزد و...

۵۳- آیا شما نمی‌خواهید پسر خود را داشته باشید... آیا هنگامی که پسر شما به خانه بیاید و با شما بر سر میز بنشیند آن روز، روزی عالی نیست؟ زمانی که او از میدان جنگ بازمی‌گردد و زخمی است، چگونه برای او غذا تهیه می‌کنید و زخم‌های او را مداوا می‌کنید. و هر چیزی شبیه این. این گوشت و خون شماست و در شما بوده است. تابحال او را نمی‌شناختید، ولی می‌دانید که آنجا بوده است.

۵۴- و خدا نیز می‌دانست که ما آنجا بوده‌ایم، ولی هنگامی که ما را در جسم قرار داد توانستیم در ارتباط باشیم. او به این صورت با ما ارتباط پیدا کرد. و زمانی که در عیسی مسیح بود یکی از ما شد؛ پسر خدا، تمامی پری خدا. بنابراین آن هدف خدا برای نمایش خصوصیت‌ها و صفت‌های خویش در یک معاشرت بود.

۵۵- زمانی که من در پدر خود بودم در این مورد چیزی نمی‌دانستم. اما زمانی که پسر او شدم و از او متولد گشتم، یک صفت بودم، یک بخش از پدر خود. و شما نیز بخشی از پدر خود هستید.



۵۶- و بعنوان فرزندان خدا، ما بخشی از صفات خدا هستیم که در او وجود داشت. جسم شدیم، چنانکه او جسم شد. از اینرو می‌توانیم بعنوان خانواده‌ی خدا بر روی زمین با یکدیگر معاشرت داشته باشیم. و این هدف خدا در ابتدا بود. بله، آقا! این چیزی است که خدا در ابتدا می‌خواست.

۵۷- او همه چیز را در کنترل داشت. و او انسان را در باغ عدن قرار داد و گفت: "پسرم، این از آن توست."

۵۸- چه مکان زیبایی! خدا بسیار راضی بود، تا آنجا که از تمامی کاری که کرده بود، آرامی گرفت. هرگز هیچ درختی خار و خوس نمی‌رویاند و هرگز میوه‌ی توت از بوته‌ی خار بوجود نمی‌آمد. همه چیز کامل بود. تمام امور و همه چیز در یک کمال مطلق بود.

۵۹- سپس او رفت تا آرامی بگیرد. دشمن او با فریب وارد شد و با ارائه‌ی تفسیر نادرست از برنامه‌ی او برای فرزندان، بر آنجا مسلط گشت. درحالی که او به فرزند خویش اطمینان داشت؛ چنانکه شما هنگامی که دخترتان شب را با یک مرد بیرون می‌رود به او اطمینان دارید. یا هنگامی که پسر شما با یک فرد سیگاری یا مشروب خوار بیرون می‌رود، به او اطمینان دارید. می‌بینید، او به پسر خویش اطمینان داشت که خطایی را مرتکب نخواهد شد و تمام کلامی را که او گفته است، حفظ خواهد نمود. اما دشمن وارد شد. مانند آن چاپلوس حقّه بازی که دختر شما را بیرون می‌برد و با او بدرفتاری می‌کند. یا، یا زنی که با پسر شما بیرون می‌رود و همین کار را می‌کند. می‌بینید، دشمن وارد شد. دشمن خدا وارد شد و یک تفسیر نادرست از کلام را برای حوا ارائه داد.

۶۰- حال او، از طریق این سقوط، خودش بر باغ عدن مسلط گشت. او که شش هزار سال حکومت فریبکارانه را داشته است، قوم را فریب می‌دهد؛ فرزندان خدا را. چنانکه قبلاً انجام داده بود. زیرا آنان حقّ انتخاب داشتند، تا چنانکه تمایل دارند عمل نمایند و گمان می‌کردند

یا اطمینان داشتند، که کار درست را انجام می‌دهند. پس اشتباه کردند و حقوق فرزندی خویش را فروختند. چنانکه عیسو نیز این عمل را برای دنیا انجام داد، و شیطان در آن غالب شد و تسلط یافت. او شش هزار سال زمان داشته است تا عدن خود را بنا کند. و اکنون با فریب، فریب کلام یا قوم، عدن خویش را در این جهان، بر پایه‌ی گناه بنیاد نهاده است.

۶۱- عدن خداوند بر مبنای عدالت بنا شده بود. عدن شیطان بر گناه استوار شده است. زیرا شیطان گناه است. خدا نیکو است و پادشاهی او نیز بر اساس عدالت، نیکویی، سلامتی و حیات استوار بود اما تشکیلات شیطان، گناه است؛ گناه مذهبی.

۶۲- به نیرنگ او و اینکه او چگونه فریب داد توجه داشته باشید. چنانکه گفته بود. او وعده‌ی این کار را داده بود. آیا این را می‌دانستید؟ بیاید کتاب اشعیا را باز کنیم. اگر بخشی از کلام را می‌خواهید، اگر شما... می‌بایست تعداد بیشتری از آنها را نقل کنم. اشعیا باب چهاردهم را باز کنیم. در اشعیا باب چهارده این را می‌خوانیم، می‌خوانیم و خواهیم دید که او چه کرده است. اشعیا باب چهاردهم از آیه دوازدهم:

«ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتاده‌ای؟ ای که امت‌ها را ذلیل می‌ساختی چگونه به زمین افکنده شده‌ای؟

و تو در دل خود می‌گفتی: "به آسمان صعود نموده، کرسی خود را بالاتر از ستارگان (این، پسران است) خدا خواهم افراشت و بر کوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود."

۶۳- حال متن فوق را مقایسه کنید با متن قبلی که در تسالونیکیان با هم مرور کردیم. چنانکه می‌گفت: "که او مخالفت می‌کند و خود را بلندتر می‌سازد از هر چه به خدا یا به معبود مسمی شود، بحدّی که مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست."

۶۴- این خدای جهان است که من یکشنبه‌ی گذشته برای شما موعظه کردم. امروز او اینجاست، در فریب. و این زمان خباث‌آمیز و دوره‌ی مهیبی است که ما در آن زندگی می‌کنیم، و در عین حال این پرجلالت‌ترین، زمان تمام دوران است. زیرا ما دوباره در حال روبرو شدن با هزاره هستیم. دوباره در حال روبرو شدن با عدن هستیم. ولی درست در این دوره، هر فریب و ترفندی که تابحال او از آن استفاده کرده و قادر بوده تا با آن فریب بدهد را با هم جمع نموده، خود را تقویت کرده است. و مانند خدا پایین آمده و خود را از نظر مذهبی، درجای خدا قرار داده است. او می‌تواند برای شما از کلام نقل قول کند و با شما از کلام صحبت کند. درست به همان صورتی که در باغ عدن، شیطان با حوا انجام داد. ولی یک شکاف و یا رخنه در آن ایجاد کرده و آن را رها می‌کند. این تمام کاری است که او باید انجام دهد، ایجاد آن شکاف. جایی که تعلیم زهرآگین شیطان بتواند از آن ریخته شود. درست مانند فیلتر مرد عاقل، که یکشنبه‌ی گذشته در مورد آن با شما صحبت کردم.

۶۵- حال، او گفت که خود را بالاتر از حضرت اعلی خواهد افراشت. کرسی خود را بالاتر از ابرها و ستارگان خواهد افراشت و مانند خدا در آنجا خواهد نشست، بالاتر از حضرت اعلی. او در انجام تهدیدهای خود موفق بوده است. او مطمئناً از طریق افرادی که اجازه دادند او در هر دوره، ارزش و بهای وعده‌های خدا برای آن دوره را توضیح دهد به موفقیتی حیرت آور، در انجام تهدیدهای خود رسیده است. این دقیقاً طریقی است که او عمل نموده است. در هر دوره‌ای، او این را شرح داده است.

۶۶- در ایام نوح، او شرح می‌داد که این غیر ممکن است که از آسمان باران بیارد. چراکه «در آنجا بارانی وجود نداشت» آن انجیل عظیم و علمی او که آن را در باغ عدن موعظه می‌نمود! او می‌توانست با ابزار خود به ابرها تیراندازی کند تا ثابت کند که در آنجا رطوبتی وجود ندارد. ولی خدا گفته بود که باران خواهد بارید. اما شیطان موفق شد

و ذهن قوم را با تحقیقات علمی خود مسموم کرد. «این انجام شدنی نیست» ولی این کار انجام شد. خدا گفته بود که چنین خواهد شد و چنین شد. او این کار را انجام داد.

۶۷- حال، در ایام... در ایام عیسی او همین کار را انجام داد. او دوباره با فریب ذهن آنها را مسموم کرد. می‌بینید، با تفسیر غلط کلام. "اگر پسر خدا هستی در این مورد کاری انجام بده".

۶۸- عیسی مضحکه‌ی او نشد. هرگز چنین نشد. او مجبور نیست به هر خواست شیطان پاسخ دهد او تنها... عیسی گفت: "مکتوب است انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خداوند صادر شود." می‌بینید، لزومی نداشت که او مضحکه گردد. او مجبور نبود که نان بسازد. می‌توانست این کار را بکند، ولی در این صورت به حرف شیطان گوش کرده بود. پس او مجبور نبود که به حرف شیطان گوش کند.

۶۹- و باز دوباره این فریب مذهبی است، مانند ابتدا، بسیار فریبکارانه. حال نگاه کنید. این تنها در مورد گناهان هرروزه مثل ارتکاب به زنا، نوشیدن مشروبات و نام خداوند را به عبث بردن، نیست. خیر، چنین نیست.

۷۰- سال‌ها پیش را بخاطر آورید، بسیاری از شما قدیمی‌ترها، موعظه‌ای را که در مورد ناامیدی‌ها در داوری داشتم، را به خاطر می‌آورند. فاحشه، او آنجا نا امید نخواهد بود. او می‌داند که به کجا می‌رود. قاچاقچی، قمارباز، دروغگو، سارق، اینها مایوس نمی‌شوند. ولی مردی که فکر می‌کند درستکار است، اوست که آنجا دچار یأس می‌گردد.

۷۱- این همان دوستی است که می‌آید و می‌گوید: "خداوند! آیا انجیل را موعظه نکردم؟ آیا به نام تو دیوها را اخراج نکردم؟"

۷۲- عیسی گفت: "دور شو از من ای بدکار. هرگز تو را نشناختم." این یأس است، می‌بینید، همان فریبکاری.

۷۳- این چیزی است که من دائماً... این چیزی است که سوء تفاهم ایجاد می‌کند. این به این معنی نیست که می‌خواهم متفاوت باشم. نمی‌خواهم متفاوت باشم. ولی باید صادق باشم. من یک پیغام دارم که باید به قوم داده شود. این باعث ایجاد سوء تفاهم در میان قوم می‌شود. آنها فکر می‌کنند که من با همه‌ی آنها مخالف هستم. آنها باید بدانند که پیغام من به همه مربوط است و تمام تلاشم را می‌کنم تا آنچه را که حقیقت است، برای آنها بیاورم. درست به همان صورتی که در قلبم گذاشته شده و به همان صورتی که در کتاب مقدس قرار دارد. خدا حقیقت بودن آن را اثبات می‌کند. پس کار دیگری نیست که بشود در این مورد انجام داد. خواه آنها به آن نظر کنن، یا نکنند.

۷۴- می‌دانید، آنها نمی‌خواهند این را ببینند، زیرا فروخته شده‌اند. آنها حقوق فرزندی خود را به چند تشکیلات یا فرقه فروخته‌اند، تا براساس یک سری آیین‌های فرقه‌ای و تشکیلاتی به آسمان برسند، که شیطان رأس هر ذره‌ی آن است. خدا هرگز یک آیین تشکیلاتی نداشت. هرگز نداشت. و آنها به جایی فروخته شده‌اند که در آن مشتی از انسانها کلام را تفسیر می‌کنند و می‌گویند که این اینطور معنی می‌دهد و یا آن‌گونه معنی می‌دهد.

۷۵- خدا نیازی به مفسر ندارد. او مفسر خویش است. او به کس دیگری نیاز ندارد که به او بگوید چطور این کار را انجام دهد. او ممتاز است. او گفته است که این کار را چگونه انجام می‌دهد، و این طریقی است که باید کلام خویش را نگاه دارد. وقتی او گفته است: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود."<sup>۹</sup> دقیقاً منظورش همان بوده است. هرچه گفته است باید رخ دهد. او گفته است که در ایام آخر، این اتفاق رخ می‌دهد که

<sup>۹</sup> مرقس ۱۶: ۱۷

او کارهای مشخصی را انجام خواهد داد، و آن را انجام داده است. او مجبور نیست از کسی بپرسد که اکنون زمان آن است یا خیر. او می‌داند که چه زمانی است و نقشه چیست.

۷۶- حال شیطان، این فریبکار، چنانکه در مَتّی ۲۴ : ۲۴ از او صحبت شده است. با فریب‌های بسیار. حال ما این را از طریق برنامه‌های دانش مذهبی او در می‌یابیم؛ تحصیلات بهتر، اخلاقیات بیشتر، تمدّن و غیره. تمام اینها قومی را که قصد و اراده‌ی خدمت به خدا را دارند از طریق ایمان به آن دروغ، مسحور نموده است.

۷۷- حوّا قصد انجام آن کار را نداشت، ولی او به حوّا نشان داد که انجام آن عمل چه حکمت عظیمی نهفته است. او نمی‌دانست. می‌خواست که بداند. او درک نمی‌کرد، لیکن می‌خواست که درک کند. و خدا گفته بود که برای شناختن آن تلاش نکند.

۷۸- من چطور می‌توانم هریک از این امور را متوجّه شوم؟ نمی‌توانم آنها را درک کنم. به آنها ایمان دارم. مجبور نیستم که آنها را درک کنم. خدا ایمان است و درک نکردن. ما فقط به آنچه که او گفته است، ایمان داریم.

۷۹- اکنون، شش هزار سال بعد از منحرف نمودن تفسیر درست وعده‌ی کلام خدا برای هر دوره، عدن خدا را با عدن شیطان مقایسه کنید. بیایید الآن آن را مقایسه کنیم و ببینیم به کجا می‌رسیم. مانند کاری که او در زمان عیسی و در مسیح با کلیسا کرد و تلاش نمود تا فرزندان وفادار خود را از دانستن حقیقت دور نگاه دارد. خدا فرزندان خود را در اینجا قرار داد، صفات خویش را، تا با شنیدن کلام او با وی معاشرت داشته باشند. این از آن خداوند است، عدن خداوند.

۸۰- چطور می‌شود اگر شما فرزند مطیع و وفادار پدر خود باشید و او به شما بگوید: "پسرم، برای شنا به آن آب‌ها داخل نشو، چون درون آن آب پر از تمساح است." و بعد

یک نفر بیاید و بگوید: "قطعاً درون چنین آب زیبایی مانند این، تمساحی وجود ندارد." اکنون شما حرف کدامیک را گوش می‌کنید؟ اگر شما فرزند راستین باشید، به حرف پدر خود گوش می‌کنید.

۸۱- و هر پسر و دختر راستین خدا، ابتدا کلام خدا را می‌پذیرد. اهمیتی نمی‌دهم که سایرین چه می‌گویند. آنها کلام خدا را می‌پذیرند. "این فنجان حاوی زهر است." و آنها این را می‌پذیرند.

۸۲- ایمان به تمام کلام او، به بذره‌های او، یک عدن پر از قدّوسیت، محبّت و حیات ابدی را به بار می‌آورد. این چیزی است که عدن خداوند پدید می‌آورد، تقدّس. این یک عدن سرشار از تقدّس، عشق، درک، تکامل و حیات ابدی را به بار می‌آورد. این چیزی است که کلیسای او در پایان خواهد بود. این کلیسا به همین شکل خواهد بود.

۸۳- توجّه داشته باشید، اینجا یک تعلیم نهفته است. این را فراموش نکنید. زمانی دیگر یا در یک پیغام دیگر به این می‌پردازم. ولی می‌دانید، خدا گفت: "هر بذری میوه‌ی نوع خود را بیاورد." این فرمان خداست؟ حال چه فایده‌ای دارد که یک واعظ یا هرکس دیگری تلاش کند بگوید، که کلام چیز دیگری می‌گوید؟ می‌دانید، هر کلام خدا یک بذر است. چنانکه عیسی گفته است: "کلام، همان بذری است که برزگر کاشت." پس اگر مرقس باب ۱۶ کلام خداست، آن کلام میوه‌ی از نوع خود را به بار خواهد آورد. اگر ملاکی ۴ کلام خداست، میوه‌ی نوع خود را ثمر خواهد داد، و هر وعده‌ی دیگر خدا نیز باید از نوع خود میوه بیاورند.

۸۴- می‌بینید، شیطان را در آن خفا می‌بینید. او تلاش می‌کند بگوید: "چنین نیست، اینطور نیست." این را درک می‌کنید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] می‌بینید، شیطان می‌گوید: "اوه، این مربوط به این زمان نیست. این... این... این مربوط به یک دوره‌ی

دیگر است. آن، آن حتّی به این معنی نیست."

۸۵- "هر بذری باید از جنس خود به عمل آید" این طریقی است که خدا عدن خویش را بنیان نهاد. درست است؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] حال بنگرید، این طریقی است که خدا کلیسای خویش را بنیان نهاد. هر کلام بعد از نوع خود! "انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلامی که از دهان خدا صادر گردد." می بینید؟ شیطان، او چیز دیگری را بر خواهد گزید. ولی خدا گفت: "هر بذری از نوع خویش."

۸۶- کلام وعده گفته است: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود."

۸۷- حال کلیسا می گوید: "به کلیسا بیونید. آیین ها را حفظ کنید. کاتشیزم<sup>۱۰</sup> را فراگیرید." چنین چیزی در تمام کتاب مقدّس وجود ندارد.

۸۸- اما عیسی گفت: "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود: که به نام من دیوها را اخراج خواهند نمود؛ به زبان های تازه سخن خواهند گفت؛ اگر ماری را بردارند یا زهر قاتلی را بخورند به آنها آسیبی نخواهد رساند، دست ها بر بیماران گذارند و شفا خواهند یافت." <sup>۱۱</sup> انسان کیست که این را انکار کند؟ می بینید؟

۸۹- "هر بذری میوهی جنس خود را خواهد داد. اگر شما یک ذرّیت و بذر خدا هستید، یک صفت، یک پسر و یا دختر خدا، پس کلام خدا در شما کاشته شده است. می بینید؟ و بعد هنگامی که شما کلام خدا را بشنوید: "گوسفندان من بدنبال صدای من خواهند آمد و نه صدای غریبه" <sup>۱۲</sup> متوجّه می شوید؟ "پس هر بذری نوع خود را ثمر خواهد داد."

<sup>۱۰</sup> Catechism تعالیم و دستورات مذهبی

<sup>۱۱</sup> مرقس ۱۶ : ۱۷ و ۱۸

<sup>۱۲</sup> اشاره به یوحنا ۱۰ : ۲۷



۹۰- حال درمی‌یابیم که هر بذری از نوع خود به ثمر آمده است. در ابتدا هیچ مرگی و... در آن عدن وجود نداشت. در عدن جدید نیز هیچ مرگی وجود نخواهد داشت. می‌بینید، هیچ چیز نبود، هیچ چیز به جز قدّوسیت، خلوص و حیات ابدی.

۹۱- حال، بواسطه‌ی بی‌ایمانی به تمام کلام خدا، بذر غیر مقدّس در عدن شیطان، ثمر آورده است. اکنون در حال ورود به جایی هستیم که شیطان بعنوان ضد مسیح در عدنی از این جهان در حال تخت نشینی است، عدنی از گناه، انحراف مذهبی. او بر اساس "من شیطان هستم، من فرشته‌ی اعظم هستم." شروع نکرده است؛ بلکه بر اساس انحراف کلام خدا. و این روشی است که او در هر دوره، پادشاهی خود را آورده است و اکنون در این دوران عظیم فریکاری، مهیا می‌شود تا تخت خود را توسط قوم خویش بگیرد. او برای خویش یک عدن روشنفکرانه، تحصیلکرده و علمی ساخته است. درست است. واعظین علمی، کلیسای علمی، الهیات علمی، همه چیز علمی است. همه چیز بر پایه‌ی دانش است. تمام کلیسا بر پایه‌ی علم و دانش بنا شده است، اما بر اساس ایمان بنا نشده است.

۹۲- یک بار برای برگزاری جلسه‌ای به کلیسای یک خادم رفته بودم. یک سالن همایش بزرگ در غرب بود. یک مرد خوب، او منکر تمام چیزهایی بود که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم؛ ولی در عین حال... من به او علاقه داشتم. او مرد مسن و خوبی بود. هنگامی که جماعت او که حدود شش هزار نفر بودند، خارج شدند؛ من نشسته بودم و به آنها نگاه می‌کردم. آن روز بعد از ظهر حدود ۱۵۰۰ نفر از آنها را روشنفکرانی خوش پوش تشکیل می‌دادند.

۹۳- او، یعنی آن مرد موعظه‌ی بسیار خوب انجام داد و سپس پرسید اگر کسی می‌خواهد عیسی مسیح را بپذیرد، فقط کافی است که دست خود را بلند کند. هیچ کس دست خود را بلند نکرد. سرانجام یک زن دست خود را بلند نمود و مرد گفت: "بسیار خوب، از همین حالا تو یک مسیحی هستی." و او را برای تعمید آماده نمود و بعد هنگامی که

خارج شد... او یک کودک را تقدیم کرد، آن نوزاد را بوسید، برای وی دعا کرد و بعد جمعیت را مرخص نمود.

۹۴- وقتی جماعت او که همگی تحصیلکرده، خوش پوش و روشنفکر بودند، خارج شدند؛ من در کناری ایستاده بودم تا با آن مرد دست بدهم و برای وی آرزوی موفقیت کنم.

۹۵- وقتی این کار را کردم، جماعت من به سالن وارد شدند. زمانی که جماعت او داخل سالن بودند، مسئولین اجازه‌ی ورود به آنها نمی‌دادند. اکنون جماعت من روی ویلچیر، با برانکار، مجنون و... وارد می‌شدند. تفاوت را می‌بینید؟ همین است. این چیزی است که من در مورد آن صحبت می‌کنم. می‌بینید، می‌دانید؟ این چیز متفاوتی است.

۹۶- شما با یک دانش علمی می‌توانید انجیلی منطقی را ارائه دهید و بگویید: "هر که به عیسی ایمان آورد، محاکمه نخواهد شد." متوجه هستید؟

۹۷- اما او از ارائه‌ی "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود." باز می‌ماند و نمی‌تواند آن را بازگو کند. می‌بینید؟ آن زن به عیسی مسیح ایمان آورد، او نجات یافت و این آیات او را همراهی می‌کند.

۹۸- "و آنکس که کلام مرا بشنود." نه اینکه فقط از آن سر دربیآورد، یا فقط با گوش‌های خود بشنود، بلکه «آن را بفهمد». همه می‌توانند آن را بشنوند. یک فاحشه می‌تواند آن را بشنود و یک فاحشه باقی بماند. می‌بینید، یک دائم الخمر می‌تواند آن را بشنود، یک دروغگو می‌تواند بشنود و دروغگو باقی بماند. اما "آنکس که کلام من را بفهد و به فرستنده‌ی من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد." <sup>۱۳</sup> متوجه هستید؟

۹۹- و هیچ انسانی قادر به انجام چنین کاری نیست، جز اینکه خدا او را از پیش مقرر

نموده باشد. عیسی گفت: "کسی نزد من نمی‌تواند آمد مگر آنکه پدر من آن را بدو عطا کند." <sup>۱۴</sup> آمین! این پیش‌آگاهی خداست. او در تنهایی ساکن است و کسی نیست که بگوید چه کاری انجام دهد.

۱۰۰- اکنون، با بی‌ایمانی در نگرفتن تمام کلام خدا، یک بذر بی‌ایمانی، ناپاک، پراز گناه، عداوت و مرگ ابدی، در این دوره‌ی کلیسای روشنفکر بوجود آمده است. حال متوجه شدید؟ در این ایام که تمام دنیا مذهبی است! این را می‌دانستید؟ تمام دنیا مذهبی است. و در این دوره‌ی مذهبی با کلیساهای بزرگ درهرجا، همه چیز به این منتهی می‌شود، که شیطان درحال پرستیده شدن است. ایناهاش، اینجاست، همینجا در کتاب مقدس، درست است، و این مدارس روشنفکرانه و الهیات دینی یک فرد تحصیلکرده را ثمر می‌دهد، که آموزش دیده است چطور محبت کند، چه کاری را انجام دهد، چطور احساسات مردم را برانگیزد و... سه یا چهار سال آموزش تا او یاد بگیرد، چطور با ذهن افراد ارتباط برقرار کند. می‌بینید؟

۱۰۱- روح خدا چیزی نیست که شما... چیزی نیست که به شما آموزش داده شود. این چیزی است که بدست خدا از پیش برای شما مقدر شده است. تجربیات روحانی شما نمی‌تواند به شما تعلیم و آموزش داده شود. بلکه بدست خداوند قادر و با پیش‌آگاهی او، از پیش برای شما مقدر شده است.

۱۰۲- حال، این عدنی که اکنون آنها در آن زندگی می‌کنند ثمر آورده است؛ یک عدنِ کلیسای جهان. همه‌ی آنها درحال متحد شدن با یکدیگر در یک شورای جهانی هستند و کلیسای جهان درحال جمع شدن زیر یک سر است. جایی که دقیقاً شیطان در آن پادشاهی خواهد نمود.

۱۰۳- و اکنون آخرین بانگ درحال پیش رفتن است، تا قبل از اینکه عروس به آن شرایط وارد شود آن را بگیرد. زیرا اگر علامت وحش را دریافت کند و محکوم گردد، دیگر هرگز از آن خارج نخواهد شد. به همین دلیل است که می‌گوید: "از میان آنها خارج گردید و از آنها جدا شوید." <sup>۱۵</sup>

۱۰۴- اکنون، عداوت و مرگ و مکانی ابدی از خدا، در این عدن شهوت، پلیدی و انحراف وجود دارد. چگونه؟ توسط کشت بذر نادرست.

۱۰۵- این من را به یاد رویایی می‌اندازد که قبل از ملاقات با مردم پنطیکاستی دیدم. آن مرد سفید پوشی که به تمام جهان می‌رفت. بارها شنیده‌اید که در مورد آن صحبت کرده‌ام. و مردی از پشت سر او می‌آمد و بذر نفاق را می‌کاشت.

۱۰۶- ولی او این را نسبتاً... در حوا... از طریق شهوت حوا برای گناه، درباغ عدن بُرد. پس، اگر حوا برای دانش شهوت داشت، این گناه بود.

۱۰۷- و هنگامی که ما برای دانش، شهوت و حرص داشته باشیم؛ یک مدرک پی.اچ.دی و یا ال.ال.دی <sup>۱۶</sup> بخواهیم، انجام آن گناه است. بیان این حرف سخت است، ولی در عین حال حقیقت است. مهم نیست که چقدر سخت است، همچنان حقیقت است.

۱۰۸- مطلبی که وجود دارد، این است که ما امروزه تلاش نمی‌کنیم که کلام خدا را در قلب مردم بنا کنیم. ما تلاش می‌کنیم تا خودمان را بنا کنیم. کلیساهای تلاش می‌کنند تا تعلیم کلیسا را در قلب افراد بنا کنند.

۱۰۹- به ما فرمان داده شده تا کلام خدا را بنا کنیم. پولس رسول گفت: "نزد شما به حکمت کلام نیامدم تا ایمان شما به کلام انسان باشد؛ بلکه به قوت در ابراز روح القدس

<sup>۱۵</sup> دوم قرنیتان ۶ : ۱۷  
<sup>۱۶</sup> مدارک تحصیلی پیشرفته معادل دکتری تخصصی

به نزد شما آمدم که باید ایمان شما بر خدا استوار گردد."

۱۱۰- ای انسان! نباید خویش را بنا کنی. ما این را در میان... بگذارید خدا کاری را برای یک نفر انجام دهد، متوجه خواهید شد که هر فردی تلاش می کند تا آن را تقلید نماید. می بینید، آنها تلاش می کنند که خود را بنا کنند. هر انسانی خودش را بنا می کند. (من این کار را کردم، من، فرقه‌ی من) ما در مورد چه چیزی موعظه می کنیم؟ خودمان یا ملکوت خدا؟

۱۱۱- کلام خدا را بنا کنید. بی‌ایمانی را کنار بگذارید و ملکوت خدا را در قلب افراد بنا کنید. ملکوت خدا نمی‌تواند در قلب انسان بنا شود، مگر اینکه خدا او را چنین ساخته باشد. او نمی‌تواند در یک... باشد.

۱۱۲- و بخش فریب‌آمیز را به یاد داشته باشید. آن بخشی که انسان فکر می کند درست است. «راهی هست که به نظر انسان درست می‌رسد.» روشنفکر بودن، درست به نظر می‌رسد.

۱۱۳- همان‌طور که یکشنبه‌ی قبل به شما گفتم؛ وقتی بالای سر فرزند در حال مرگم ایستاده بودم، شیطان آنجا ایستاده بود و به من می‌گفت: "یک شب پدرت در آغوش تو مرد. این هم از همسرت که آنجا در سردخانه است. و فرزندت هم که اینجا در حال مرگ است. تو از او خواستی تا جواب تو را بدهد و او تو را... او تو را نادیده گرفت. حال هنوز او نیکوست و تو گفته‌ای که شفا دهنده است. تو که برای درستی آنچه گفته‌ای ایستاده‌ای، در اشتباه هستی." او! هر دلیلی، هر قوه‌ی ذهنی باید با او موافق می‌بود.

۱۱۴- هنگامی که او به حوا گفت: "چشمان شما باز شده و عارف نیک و بد خواهید شد و شما مانند خدایان خواهید بود، به این ترتیب، خوب و بد را خواهید شناخت." <sup>۱۷</sup> حق

با او بود، زیرا خدا هنوز به آنها اجازه نداده بود که خود را ببینند. آنها عریان بودند. پس ایشان می دانستند که عارف نیک و بد خواهند بود، و او درست می گفت. ولی می دانید، این بر خلاف کلام خدا بود.

۱۱۵- خادمین نیز در مدارس روحانی چنین می کنند. الهیات ساخته شده به دست انسان را فرا می گیرند. شاید این به نظر درست برسد. شاید فهم و درک خوبی نسبت به امور بیابند. ولی اشتباه است.

۱۱۶- مجبور نیستیم که این را بفهمیم. به این ایمان داریم که چون خدا چنین گفته است، تا به ابد به همان صورت است. همه چیز به صورتی است که باید به آن ایمان داشته باشیم.

۱۱۷- او! هو! چگونه شهوت داشتن یک مدرک پی.اچ.دی را داشت؟ می بینید؟ او چطور حریص بود که عاقل تر از آنچه که بود، باشد؟!

۱۱۸- توجّه داشته باشید که مرد و همسر او چقدر شبیه بودند... حال توجّه کنید، مرد و همسر، در باغ عدن هردو عریان بودند. در عدن خدا.

۱۱۹- اکنون می خواهم به انتهای مطلب برسم. چون گفته بودم که خیلی وقت نمی گیرم.

۱۲۰- اکنون این را مقایسه کنید. آن مرد و همسرش چقدر به یکدیگر شبیه بودند. آنها می توانستند به یکدیگر بنگرند و نمی دانستند که برهنه هستند. آنها با حجاب و پوشش تقدّس روح القدس، پوشانده شده بودند. آنها پوشانده شده بودند.

۱۲۱- امروز نیز حجاب خدا می تواند نظر کند و شهوت نداشته باشد. آنها روی خود را برگرداندند. این یک پوشش مقدّس است. می دانید، یک حجاب مقدّس. خدا چشمان آنها را... آنها جفت بودند، یک زن و دیگری نیز مرد و نمی دانستند که عریان هستند.

زیرا قدّوسیت خدا چشمان آنها را پوشانده بود. توجّه کنید، خدا بواسطه‌ی حجاب روح‌القدس، ضمیر آنها را از گناه مخفی داشته بود.

۱۲۲- کاش وقت بیشتری داشتیم تا دقایقی را به این پردازیم. اینجا را ببینید "چونکه او، یعنی عبادت کننده، بعد از آنکه یک بار پاک شد..." رساله‌ی عبرانیان "عبادت کننده بعد از آنکه یک بار پاک شد دیگر حس گناه را در ضمیر نمی‌دارد." <sup>۱۸</sup> گناه از او دور گشته است.

۱۲۳- امروز صبح از برادر نویل شنیدم که می‌گفت یک نفر از او پرسیده است که، چرا من در مورد روح‌القدس موعظه نکردم! چرا این کار را انجام ندادم. بفرمایید، روح‌القدس عمل درون شماست. این یک حیات است، نه یک هیجان، نه یک نوع مرگ جسمانی. اما یک شخص است، یعنی عیسی مسیح. کلام خدا، که در قلب شما بنا شده است تا هر کلام، این عصر و این دوره را زنده سازد. روح‌القدس را در عمل ببینید، نه در نمایش‌ها و تظاهرها، بلکه در عمل. آنچه که برطبق کلام انجام می‌دهد.

۱۲۴- حال توجّه کنید! روح‌القدس از کلام خدا، یک زن و مرد برهنه را داشت، و آنها این را نمی‌دانستند. چقدر زیباست! حیات کلام، بذر کلام.

۱۲۵- خدا گفته بود: "درختی در میان باغ است، زن. حتی آن را لمس نکنید زیرا روزی که از آن بخورید، هرآینه خواهید مرد." آنها نسبت به آن حجابی مقدّس داشتند. هیچ چیز در مورد آن نمی‌دانستند و جرأت لمس آن را نداشتند.

۱۲۶- آنها پوششی مقدّس داشتند. آنها در محضر خدا در امان بودند. آنها زنده بودند. هیچ مرگی را در اطراف خویش نداشتند. هلولویاه! آنها محبّتی کامل برای یکدیگر داشتند، درکی کامل از محبّت خدا. آنان کلام خدا را داشتند و آن را نگاه می‌داشتند.

آنها در عدن خدا زنده و ایمن بودند، بدون هیچ مرگی در اطراف خویش.

۱۲۷- سپس شیطان، حوّا را واداشت تا به انجیل الهیات او گوش دهد؛ انجیل خردمندانه، تعلیم بالاتر، اخلاقیات بیشتر، تمدّن بهتر، تحصیلات بالاتر و... سپس هنگامی که او را واداشت... او را واداشت تا بایستد و یک دقیقه به او و به استدلالات او گوش کند. (که فرمان داریم از آن اجتناب کنیم). وقتی که او را واداشت، تا به آن گوش کند.

۱۲۸- "اکنون اینجا را بنگرید. این کلیسا چنین و چنان است. مدّت زیادی است که تأسیس شده است. ما یکی از قدیمی ترین کلیساهای کشور هستیم. شهردار عضو این کلیساست." اهمّیتی نمی‌دهم که چیست. می‌بینید. اگر برعلیه کلام خداست، شما هم برعلیه آن باشید. آن دشمن شماست. هر چیزی که برخلاف کلام خدا باشد، دشمن شماست.

۱۲۹- هر آنچه که برای کلام است، برادر شما و جزئی از شماست.

۱۳۰- توجّه کنید، او آن حجاب مقدّس را کنار زد تا ببیند که واقعاً سکس چیست. مقایسه کنید. واقعاً شهوت چه کاری انجام می‌دهد؟! او حجاب را از چشمانش کنار زد. چیز مقدّسی که خدا بر چشمان او قرار داده بود. او خواستار دانش بود تا بداند که تمام اینها درمورد چیست. پس او آن حجاب را کنار زد تا اینها را بداند. او به شیطان گوش کرد و توجّه کنید که این، او را در چه وضعیتی قرار داد.

۱۳۱- از آن پس در هر دوره آنها همان کار را کرده‌اند. همیشه طرف دانش را گرفته‌اند و اکنون یک پادشاهی شیطان را بنا کرده‌اند. دانش! بدر آن کاشته شده و دنیا را در بر گرفته تا یک عدن مرگ باشد.

۱۳۲- حال توجّه کنید. اکنون به مکاشفه باب ۳ نگاه کنید، کلیسای دوره‌ی لائودیکیه. در ذهن خود به این فکر کنید.



۱۳۳- حال توجّه کنید. او، حوّا، ملکه‌ی شیطان است. می‌دانید قبل از اینکه آدم حوّا را بشناسد؟ شیطان، مار او را شناخت. می‌بینید؟ درست است. بعد او را اغفال نمود. می‌بینید؟ پس شیطان، مار، قبل از اینکه آدم او را بشناسد، شوهر او بود. می‌بینید، او را اغفال و اغوا نمود. کتاب مقدّس می‌گوید که او چنین کرد، و از آن پس او دانست که برهنه است. می‌بینید؟

۱۳۴- اکنون به کلیسای لائودیکیه نگاه کنید. او، حوّا، بعنوان ملکه‌ی شیطان نشسته است. "او دولتمند و بی‌نیاز از چیزهای دنیوی است، باز عریان است و این را نمی‌داند."<sup>۱۹</sup> درست به همان صورتی که در عدن خداوند عریان بود. اما اکنون این ناآگاهی به دلیل این نیست که آن حجاب قدّوسیت، او را در بر دارد؛ بلکه بخاطر پرده‌ی شهوت است، که او را پوشانده است. او حجاب مقدّس خداوند را کنار زد و یک پوشش از دانش را بخاطر شهوت، در بر گرفت. اکنون او یک پوشش شهوت دارد که در گناه خویش «کور» است. در خیابان‌ها «برهنه» است و «این را نمی‌داند». او در خیابان یک فاحشه است. زنان در این لباس‌های کوتاه از دید خدا فاحشه هستند «و این را نمی‌دانند».

۱۳۵- توجّه کنید، زنانمان را در نظر بگیرید. اکنون اگر می‌خواهید بدانید کلیسا در چه شرایطی است، ببینید که زنان چگونه عمل می‌کنند. او همیشه نماد و نمایانگر کلیسا است. در عدن شیطان که از گناه و بی‌ایمانی است. انحراف مذهبی، ملکوت را منحرف نمود. بجای برگزیدن کلام خدا، آنها تعالیم دانش افزای انسان را برگزیدند و در عوض برگزیدن کلیسا، تشکیلات را برگزیدند و در حال آوردن آن، به سمت یک سر بزرگ هستند.

۱۳۶- حال توجّه کنید، او از پاکی و بی‌گناهی منحرف گشته بود. این را از دست ندهید.

کلیسا با این پوشش شهوت پوشیده شده بود. توجّه کنید که این با او چه کرد. از پاکی، بی‌گناهی و بی‌آلایشی به سمت دانش منحرف گشت. می‌بینید؟ او با پوشش مقدّس، بی‌گناه بود. با پوشش شهوت، دانش دارد. او لذّت آن را می‌شناسد، می‌داند که این چه می‌کند. می‌بینید، این یک میوه است. یک درخت که دلپسند و دانش‌افزا بود. می‌بینید؟ او از پاکی به دانش، از تقدّس به سمت پلیدی و شهوت و از حیات به موت، منحرف شد.

۱۳۷- این پادشاهی باید بمیرد. این پادشاهی باید بمیرد. خدای آسمان آن را از صحنه‌ی زمین محو و نابود خواهد گردانید.

۱۳۸- توجّه کنید، این انحراف، از یک مرد به زن و از یک زن به یک مرد انجام شد، «و این را نمی‌دانند». امروز به خیابان‌ها و زنان مدرن آن نگاه کنید، یک محصول خوب از عدن شیطان.

۱۳۹- توجّه کنید! این حواّ بود که شیطان توسط قدرت شهوت او، برای وادار کردن آدم به گناه، از او استفاده نمود. اکنون، امروزه نیز او همان کار را انجام می‌دهد. توجّه کنید، موهای کوتاه شده، صورت آرایش شده، لباسهای سکسی، آن زن این کار را انجام می‌دهد و نمی‌داند که هریک از آنها در تضاد و تناقض با کلام خدا هستند. کوتاه کردن موها، از او یک زن رسوا می‌سازد، یک فاحشه. پوشیدن لباس‌های کوتاه، او را رسوا می‌سازد. برتن کردن لباس‌های سکسی، او را یک فاحشه می‌سازد «و او این را نمی‌داند». نه بخاطر پوشش مقدّس خدا، بلکه بخاطر شهوت شیطان. او باعث شد که آدم برای او شهوت داشته باشد.

۱۴۰- او لباس‌هایی را که خدا بر او پوشانده بود، درآورد. آنجا در عدن... او آنها را درآورد. خود را عریان ساخت. درحالی‌که خدا سرتاسر او را پوشانده بود. اکنون او به

جایی بازگشته است که در ابتدا قرار داشت.

۱۴۱- حال او آدم را مجبور به پوشیدن آن لباس زیرهای زنانه نموده است. حالا یک مرد لباس‌های زنانه می‌پوشد و بیرون می‌آید. گمان نمی‌کنم که بتوانیم دیگر او را مرد خطاب کنیم. او بزرگ‌ترین مرد زن صفتی است که من می‌شناسم. می‌بینید؟ او آدم را منحرف ساخته است تا مانند یک زن رفتار نماید و لباس زیر زنانه بپوشد. می‌بینید، این لباس زیر زنانه است و اکنون آدم است که آن را برتن نموده است. بر طبق کلام خدا "متاع مرد بر زن نباشد، و زن لباس مرد را نپوشد، زیرا هر که این کار را کند مکروه یهوه خدای توست."<sup>۲۰</sup> این کلام خداست. به آن فکر کنید.

۱۴۲- اکنون او موهای خود را نیز مانند زنان می‌آراید. آنها را رو به پایین شانه کرده و فر می‌کند. بعضی از بدترین مناظری که تابحال در عمر خود دیده‌ام، مربوط به این بچه‌هایی است که موهای خود را فر کرده‌اند؛ موهای رنگ شده یا این شکلی دارند و... گفتن این الفاظ از پشت منبر بسیار وحشتناک است. ولی شما ای مردان زن صفت! داوری از خانه‌ی خدا شروع می‌شود. شما حتی نمی‌دانید که مرد هستید یا زن. فکر می‌کنم ارتش بعدی ایالات متحده‌ی ما، همه از این تیپ افراد خواهند بود. درست است. می‌دانید که این چه انحرافی است؟ این لباس زنانه است...

۱۴۳- روزی در حال بازگشت از خانه‌ی هوارد جانسون<sup>۲۱</sup> بودم. نه آن که اینجاست، آن که در جاده‌ی خارج شهر است. آنجا در شگفتی و حیرت نشسته بودم. یک پسر جلو می‌آمد که موهایی تیره تا اینجا داشت، آنها را به این صورت زده بود [برادر برانهام با دست نشان می‌دهد]. و موهایش را تا روی چشمانش فر کرده بود. هرگز چنین انحرافی را ندیده بودم! او این را باور نمی‌کرد. شاید او می‌توانست اثبات کند که پسر

است، ولی در روح، او مؤنث بود. او نمی‌دانست که به کدام جهت تعلق دارد. درست است.

۱۴۴- این کاری است که شیطان انجام می‌دهد. او اَمّت‌ها را گمراه می‌کند. کلیسا را گمراه می‌کند. قوم را گمراه می‌کند. او اغواگر است، منحرف کننده از حقیقت اصیل.

۱۴۵- خدا مرد را یک مرد آفریده است و زن را یک زن، و ایشان را متفاوت پوشانید، و به آنها نشان داد که به آن صورت باقی بمانند و رفتار کنند. یکی در مذکر بودن و دیگری در مؤنث بودن. او آدم را در باغ عدن جدا ساخت و این کار را انجام داد.

۱۴۶- اکنون آن زن تلاش می‌کند تا مانند مرد باشد و موهایش را کوتاه می‌کند و مرد نیز تلاش می‌کند تا مانند او عمل کند و خود را مانند او سازد. می‌بینید؟ زن لباس مردانه می‌پوشد و مرد نیز لباس‌های زیر زنانه را برتن می‌کند. این موهن به نظر می‌رسد. این حقیقت مطلق انجیل است. اگر این را نمی‌دانید، پس حتماً مشکل دارید. یا کور هستید و یا هرگز در خیابان‌ها نبوده‌اید، و آنها یعنی زنان و مردان تصوّر می‌کنند که این کار آنها درست است. آنها در حال حرکت در جهت نادرست هستند.

زنان می‌گویند: "حُب! این خیلی خوب است."

۱۴۷- سرخپوست‌های آباچی می‌توانند باعث شوند که از خودتان خجالت بکشید. آنها هرچه بیشتر احساس گرما می‌کنند، بیشتر خود را می‌پوشانند تا از خورشید در امان باشند. می‌بینید؟ آنها درست در برابر خورشید می‌ایستند.

۱۴۸- شما تحمّل هیچ چیز را ندارید. شما تاول زده و خواهید سوخت. می‌دانید، این چیزی است که شما آن را تحصیلات عالی می‌نامید. علم مدرن این را تهیّه نموده است. اوه خدای من، همین است! «عریان» در لائودیکیه و «این را نمی‌داند».

۱۴۹- او در عدن عریان بود. شباهت دو ملکوت را می‌بینید؟ یکی از گناه و موت است، دیگری حیات و عدالت است. او در آنجا با خود پوششی مقدس داشت، هردو آنها عریان بودند ولی این را نمی‌دانستند. در این مورد هیچ چیز نمی‌دانستند، زیرا روح خدا ایشان را پوشانیده بود.

۱۵۰- و در اینجا آنها با شهوت پوشیده شده‌اند و یکدیگر را نگاه می‌کنند تا... می‌بینید، در آنجا آدم به حوا نگاه می‌کرد و نمی‌دانست که او برهنه است. و اینک هم با این حجاب شهوت، او متوجه نمی‌شود که عریان است. این پوشش شهوت، مرد را وامی‌دارد تا به او نگاه کند. این تنها کاری است که او می‌تواند انجام دهد. این را باور نمی‌کنید، ولی بهر حال آن را انجام می‌دهید. مرد هم نگاه می‌کند و متوجه می‌شود که شما دارای جاذبه‌ی زیادی هستید؛ تا جایی که بازگشت نموده و خود بعضی از لباس‌های شما را برتن می‌کند.

۱۵۱- اوه خدای من! چه انحرافی! چه دوره‌ای! چه زمانی که ما در آن... چه گمراهانه است! اوه! تمام این امور، یک روح انحراف کامل در مرد است «و آن را نمی‌داند». یک روح گمراه شده‌ی کامل در آن مرد. او از شهوت شیطان پوشیده شده است، زن هم به همین صورت. این یک روح شیطانی از یک جامعه‌ی بزرگ است. می‌بینید؟ آنها نمی‌دانند، ولی یک تشکیلات هستند. زنان با لباس‌های کوتاه، به یک تشکیلات تعلق دارند. مردی که به آن صورت لباس می‌پوشد، در یک تشکیلات است. به شما یک نام اختصار می‌دهم «انجمن خواهران بزرگ»<sup>۲۲</sup> یعنی آن چیزی که آنها بدان تعلق دارند. از آنجا خارج شوید، یک اجتماع بزرگ زن صفت‌ها و...

۱۵۲- اکنون، شاید از این نظر با من تفاوت عقیده داشته باشید، ولی این حقیقت است. شما گمراه شده‌اید و این را نمی‌دانید. دیگر رفتار مردانه ندارید، چون مرد نیستید.

می‌بینید، این به آرامی رخ می‌دهد. پسر آنها دیگر برای آنها هیچ نخواهد بود. مرد و زن هم به همین صورت. آنها یک جامعه هستند. یک تشکیلات وجود دارد. چرا؟ "همسایه‌ی کناری ما جان،<sup>۲۳</sup> آن لباس‌های کوتاه را می‌پوشد، پس چرا من نتوانم؟ لوتلا<sup>۲۴</sup> از من خواسته بود که آنها را بپوشم، چون جان هم آنها را پوشیده بود. و خوب... خوب اگر سوزی<sup>۲۵</sup> یا مارتا<sup>۲۶</sup> می‌تواند آنها را بپوشد..." یا هر چه که نام اوست. می‌بینید، متوجه هستید؟ این یک اجتماع است. این یک تشکیلات است. شما از نظر روحانی به آن وابسته هستید و این را نمی‌دانید.

۱۵۳- اگر چنین است، و می‌بینیم که چنین است، پس شما کور هستید. شما نسبت به فرقه‌هایی که شیطان شما را در آن انداخته است کور هستید. و این انحراف از کلام اصیل خدا، ملکوت او و نقشی او برای فرزندانش است. شیطان، زنان و مردان را در این امور تنیده است و آنها این را نمی‌دانند. یک انحراف!

۱۵۴- دیگر او فرزند خدا نیست! زلف‌هایش روی صورتش ریخته، این لباس‌های کوتاه را پوشیده و قدم در خیابان می‌گذارد. یک فرزند خدا، شماس یک کلیسا، شبانی که پشت منبر می‌ایستد؟ نه، این فرزند خدا نیست. او هرگز از فیلتر افکار خدا عبور نمی‌کند. او نمی‌تواند آن لباس‌های زنانه را برتن کند، مطمئناً نمی‌تواند. آن زن هم نمی‌تواند لباس مردانه برتن کند. می‌بینید، این فرزند خدا نیست. این پسر شیطان و دختر شیطان است. هر چند که گفتنش سخت است.

۱۵۵- شیطان در گمراهی و تسلط بر این دنیا برای اینکه آن را ملکوت خویش سازد موفق بوده است. آن انسان‌ها حق انتخاب داشتند و آزاد بودند تا انتخاب کنند که برای

خویش خواهان چه حیاتی هستند. و این نشان می‌دهد که در قلب شما چیست. می‌بینید؟ صدای شما... می‌دانید چیست؟ صدای اعمال شما بسیار بلندتر از صدای صحبت شماست.

۱۵۶- من نزد یک نفر بروم و بگویم: "اوه! من... ما همه مسیحی هستیم. ما عضو کلیسا هستیم." و وسط دفتر کار او شروع کنم به لخت شدن؟

۱۵۷- یک زن با موهای کوتاه بیاید و بگوید که مسیحی است؟! هاه... شما خود بهتر می‌دانید. بله آقا! بیاید بگوید مسیحی است و آرایش کند؟! لباس‌های کوتاه بپوشد و بگوید که مسیحی است؟! شما خود بهتر می‌دانید. کلام خدا خود بهتر به شما تعلیم می‌دهد. کلام خدا می‌گوید که او نمی‌تواند این کار را بکند و یک مسیحی باشد. او ناشایست است و... چطور خدا می‌خواهد یک چیز ناشایست را در ملکوت خود قرار دهد؟ خیر قربان! به هیچ وجه. آنها خود تمایل خویش را نشان می‌دهند.

۱۵۸- شما به هیچ وجه نمی‌توانید یک کبوتر را وادار سازید که با یک لاشخور غذا بخورد. او نمی‌تواند آن مردار کهنه را بخورد، او را خواهد کشت و او این را می‌داند. اما یک لاشخور می‌تواند. می‌بینید؟

۱۵۹- پس آن وقت متوجه می‌شوید که این همان اتّفاقی است که امروز برای دنیا افتاده است. "آنها کور و عریان هستند و این را نمی‌دانند."

۱۶۰- شیطان این کار را توسط شهوت برای دانش، برای سکس، که با انتخاب خویش برگزیده بود، انجام داد. حال توجه کنید، این حوا بود که آدم را به اشتباه انداخت. و زن بود که، قبل از اینکه آدم لباس حجاب را از تن بدر کند، این کار را کرده بود. می‌بینید؟ همیشه این زن است. همیشه اینطور بوده است. هنوز هم به همان صورت است.

۱۶۱- این کلیسا است که انسان را به گمراهی هدایت می‌کند. زن است، کلیسا است؛ نه کتاب مقدس یا خدا. زیرا کتاب مقدس مرد است. اوه بله! "کلمه جسم گردید" و او یک مرد بود. می‌بینید؟ کتاب مقدس مرد است و کلیسا زن است. می‌بینید؟ این کلیسا... کتاب مقدس نیست که انسان را به گمراهی هدایت می‌کند، کلیسا است که او را به گمراهی می‌کشاند. این کلیسا است که انسان با او برهنه شد، نه با کتاب مقدس. می‌بینید؟ حقیقتاً نه. و کتاب مقدس به او می‌گوید که برهنه است. بله آقا!

۱۶۲- حال توجّه کنید که چگونه توسط سکس، تمایل به سکس، او نسبت به دانش، شهوت داشت تا بداند که این چیست و چگونه است. خواه آن کار خوب باشد یا نباشد، و او این کار را انجام داد.

۱۶۳- گرچه خدا توسط یک مرد، روزی این را برخواهد گرداند. این توسط یک زن تسلیم شده بود، ولی توسط یک مرد فدیّه شده. مرد، یعنی عیسی که کلام است..

۱۶۴- و آن وقت این چیست؟ توجّه کنید. من این را چند وقت پیش در اینجا بیان کردم. چند صفحه‌ی دیگر از بخش‌های مختلف کتاب مقدس را داشتیم که می‌خواستیم به آنها ارجاع کنم... ولی گوش کنید، چون این مطالب، مطالب پایانی است.

۱۶۵- به خاطر دارید، مدّتی پیش در اینجا، داشتیم در مورد هفت کرنا، بزم کرناها به شما تعلیم می‌دادم و گفتیم: "در روز هشتم یک بزم هست." پس روز هفتم باید آخرین باشد. که مقصود از این روز هفتم، همان هزاره است. ولی یک جشن در روز هشتم وجود دارد، که اگر هشتمین روز باشد، درحالی که فقط هفت روز وجود دارد، دوباره آن را اولین روز می‌سازد. یعنی دوباره به روز اوّل بازمی‌گردد. سپس، بعد از اتمام هزاره، دوباره یک عدن بنیان خواهد شد. ملکوت عظیم خداوند باز خواهد گشت. زیرا عیسی، عیسی در باغ جتسیمانی بخاطر آن با شیطان جنگید و عدن را بازپس گرفت. او رفته



است تا آن را در آسمان مهیا سازد و دوباره بازگردد. آنجا در آسمان. او گفت: "دل شما مضطرب نگردد".<sup>۲۷</sup>

۱۶۶- زمانی که او اینجا و بر روی زمین بود گفت: "شما، شما یهودیان، شما به خدا ایمان داشتید، می‌دانم که در بین شما بدنام هستم." او این را می‌گفت: "و می‌گویند که من چنین و چنان هستم، ولی شما به خدا ایمان داشتید، و چنانکه به خدا ایمان دارید، به من نیز ایمان داشته باشید." او خدا بود، آشکار شده، می‌بینید؟ "در من نیز..."<sup>۲۸</sup>

۱۶۷- "در خانه‌ی پدر من..." و "یا" در منزل پدر من، در نقشه‌ی پدر من منزل بسیار است. می‌روم تا جایی مهیا سازم."<sup>۲۹</sup> ببینید که چقدر است، هزار و پانصد مایل مربع! می‌گویید کجاست؟ او رفته است که آن را مهیا سازد. او خالق است. او همه‌ی آن را از طلا خلق می‌کند. شوارع آن شفاف هستند. او خالق است. او در حال ساخت یک منزل است. این را در باب ۲۱ مکاشفه گفته است: "و من یوحنا اورشلیم، شهر مقدس را دیدم که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود."<sup>۳۰</sup>

۱۶۸- "دیگر دریایی وجود نداشت. آسمان و زمین اوّل زایل شده بود."<sup>۳۱</sup> آسمان اوّل ما چه بود؟ هزاره بود. اوّلین زمین چیست؟ همین زمین بود. این زمین بازسازی خواهد شد. درست به همان صورتی که توسط نوح تعمیم یافته بود. در ایّامی که او موعظه می‌کرد، توسط مسیح تقدیس شد؛ هنگامی که او خون خویش را بر آن ریخت، و دوباره بنا خواهد شد و تمام آلودگی‌ها، میکروب‌ها و تمام چیزهای دیگر از آن گرفته می‌شود، با یک تعمیم آتشین که هر ناخالصی و ناپاکی را از بین خواهد برد، هربیماری، هرضعف و هر پلیدی که بر زمین باشد.

<sup>۲۷</sup> یوحنا ۱۴ : ۱

<sup>۲۸</sup> یوحنا باب ۱۴

<sup>۲۹</sup> یوحنا ۱۴ : ۳

<sup>۳۰</sup> مکاشفه ۲۱ : ۲

<sup>۳۱</sup> مکاشفه ۲۱ : ۱

۱۶۹- آن زمین منقطع خواهد شد و زمینی جدید ایجاد خواهد شد. "و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول در گذشت و دریا دیگر نمی‌باشد و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا نازل می‌شود..." در آنجا با صفات راستین خود خواهد بود، دختران و پسران راستین. جایی که او می‌تواند با ایشان در تقدس معاشرت داشته باشد. جایی که چشمان آنها بر روی هر گناهی بسته است. از آن به بعد دیگر هیچ گناهی وجود نخواهد داشت.

۱۷۰- سخت تلاش کنیم تا در این روز گمراه نشویم بلکه " ... تلاش کنیم تا از آن دروازه داخل شویم..."<sup>۳۲</sup>

۱۷۱- "زیرا فقط زانیان و... بیرون هستند."<sup>۳۳</sup> "هرکس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است."<sup>۳۴</sup> همه‌ی آنها... با مردان و زنان بدنام خارج هستند.

۱۷۲- و تنها کسانی که رستگار گشته‌اند و نام ایشان در دفتر حیات بره مکتوب است، از دروازه داخل خواهند شد. پس جد و جهد کنیم دوستان، در این ایام آخر گمراه مشوید.

۱۷۳- این یک زمان عظیم است. همه به پول رسیده‌اند. هرکس می‌تواند چنین و یا چنان کند. در همه جا پول جاری است و... و همه‌ی چیزهای دیگر. در آن شهر، هیچ یک از اینها وجود نخواهد داشت. نه، این یک تمدن کاملاً متفاوت خواهد بود. دوباره یک تمدن از دانش و علم نخواهد بود، بلکه از پاکی، بی‌گناهی و ایمان برخداوند زنده.

۱۷۴- جد و جهد کنیم تا به آن وارد شویم. زیرا این تمام هدف من است که روزی وارد آن شهر شوم و هنگامی که به پشت سر نگاه می‌کنم، بینم که همه‌ی شما مانند رژه روندگان پشت سر من در حال وارد شدن هستید، در حالی که باهم سرود «مقدسین وارد می‌شوند» را

<sup>۳۲</sup> مکاشفه باب ۲۱

<sup>۳۳</sup> مکاشفه ۲۲: ۱۵

<sup>۳۴</sup> متی ۵: ۲۸

می خوانیم. می خواهم وقتی مقدّسین وارد می شوند در آن جماعت حاضر باشم.

۱۷۵- دعا کنیم. پدر آسمانی! همان طور که روزها به آخر می رسند و ما می دانیم که بسیار نزدیک است، وعده اکنون برادر است... خداوند عزیز! دعا می کنیم که آن را بر قلب ما قرار دهی، تا ما دچار هیچ خطا و اشتباهی نشویم. خداوند عزیز! ضمیر ما را پاک و خالص نگاه دار. خداوند! قلب های ما را محافظت فرما، قلب ها و چشمان ما را نسبت به امور این دنیا و امور بیهوده ی دنیا در حجاب قرار بده.

۱۷۶- مهم نیست که آنها چقدر بزرگ و باعظمت هستند، تمام پادشاهان، فرمانروایان و هر چیز دیگری محکوم به فنا هستند. آنها در قیامت اوّل سهمی نخواهند داشت، زیرا مکتوب است: "خوشحال و مقدّس است کسی که از قیامت اوّل قسمتی دارد، بر اینها موت ثانی تسلّط ندارد." <sup>۳۵</sup> اوه خداوند! «موت ثانی»، «مرگ روحانی، هیچ تسلّطی ندارد». زیرا او نجات یافته است!

۱۷۷- اوه خداوند! به این ساعت ها فکر می کنیم، که یکی برای ملاقات دیگری می رود و به بالا برده خواهد شد. "دونفر که بر تخت باشند، یکی گرفته و دیگری رها خواهد شد. دو نفر که در مزرعه ای باشند، یکی گرفته و دیگری واگذارده شود." <sup>۳۶</sup>

۱۷۸- اوه خداوند! امداد نما تا در حضور تو خالص و ناب باشیم. خداوند! مهم نیست که انسان در مورد ما چه می گوید و مردم در مورد ما چه فکری می کنند. ای خداوند! عطا کن تا... عطا کن تا سخن گفتن ما مقدّس باشد، تا هیچ مکر و حيله ای در ما یافت نشود. مادامی که در خطایای خویش هستیم، خون عیسی مسیح بین ما و خدا قرار بگیرد، تا بواسطه ی خون عیسی مسیح بر ما نظر کند. نه بخاطر عدالت ما و یا کسی که هستیم و یا اعمالی که انجام داده ایم، بلکه تنها بخاطر شایستگی خود و خون عیسی مسیح.

۱۷۹- حتی یک نفر از کسانی که امشب اینجا نشسته و پیغام را شنیدند، هیچکدام از کوچکترین تا بزرگترین فرزند تو گم نشود، ای خداوند! باشد تا خواست مقدس ایشان تنها برای خدا و کلام او باشد. نمی دانیم که او در چه ساعتی ظاهر خواهد شد و یا در چه زمانی ما را برای پاسخگویی در داوری مهیا خواهد نمود. نمی دانیم که چه زمانی کارت ما را از قفسه بیرون می کشد و می گوید: "زمان بازگشت به خانه است. باید بروی." خداوند! امداد کن تا خالص باشیم. عطا کن ای خداوند!

۱۸۰- اگر ممکن باشد، عطا کن تا آمدن خداوند زندگی کنیم. هرآنچه در قوت ما است را انجام دهیم. با محبت و درک آن، با دعاها پیوسته‌ی محبت و کلام خدا با ایشان سخن بگوئیم تا بتوانیم تا آخرین نفر را بیاییم و بعد بتوانیم به خانه برگردیم و از این عدن کهنه‌ی شیطان خارج شویم.

۱۸۱- اینها تماماً بر پایه‌ی شهوت بنا شده است و زنان زیبا، چنانکه در دنیا به اصطلاح در تبلیغات خویش می گویند: "ما می خواهیم که پسران به این شکل و دختران با لباس های کوتاه به اینجا بیایند." اینها در رادیو و تلویزیون ماست، تمام انواع پلیدی ها، آلودگی و هالیوود، تمام انواع لباس های پلید و سکسی برای بانوان و مردانی که منحرف شده، رفتارهای زنانه دارند و موهای خود را مانند زنان آرایش می کنند و زنان هم مانند مردان.

۱۸۲- اوه خداوند! درچه زمان وحشتناکی زندگی می کنیم. اوه! بیا خداوند عیسی، بیا ای خداوند! و ما را به خون خود تطهیر نما. پلیدی و آلودگی را از ما دور ساز. بگذار تا دائماً زیر پوشش خون، در حضور تو زیست کنیم. این خواست قلبی ماست و استدعای خالصانه‌ی ما.

۱۸۳- خداوند عزیز! روی این جایگاه... در کنار انجیل، دستمال ها و تگه های پارچه گذاشته شده است که برای بیماران برده می شود. عطا کن تا خداوند! دعای ایمان در

نظر تو، از قلب ما سرازیر شود. و بعد ای خداوند! اگر درون ما چیز ناپاکی هست که ما را به سمت داوری خواهد برد، اینک خواستار رحمت و بخشش تو هستیم. بر ما مکشوف ساز که چه اشتباهی را مرتکب می‌شویم تا بتوانیم بخواهیم به خون خود ما را طاهر سازی. ای خداوند! بیماران را شفا بده و آنها را بهبود ببخش، هر جا که هستند و یا این دستمال‌ها به نزد ایشان برده می‌شود. عطاکن تا چنین باشد، ای پدر!

۱۸۴- عزم خدمت به تو و تنها به تو را به ما عطا نما، ای خداوند!

۱۸۵- در راه بازگشت به خانه از این قوم محافظت کن، ای خداوند!

۱۸۶- برای بیمارانی که شفا دادی متشکریم. برای پسر کوچک برادر شپرد و خواهر شپرد<sup>۳۷</sup> که با دوچرخه آسیب دیده بود، دعا می‌کنم که به او هیچ آسیبی نرسد. متشکریم برای بیماران دیگری که درخواست نمودیم و تو ایشان را شفا دادی. و می‌دانیم آنچه می‌طلبیم، دریافت می‌نماییم؛ و بر او که صاحب وعده است، توکل داریم.

۱۸۷- خداوند! فیض خود را بر ما عطا کن و گناهان ما را ببخش. در نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

۱۸۸- او را دوست دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] به او ایمان دارید؟ ["آمین!"] آیا شما از عدن شیطان خسته و منزجر هستید؟ ["آمین!"] ایمان دارید که به هزاره و سلطنت هزاره‌ی او نزدیک می‌شویم؟ به عدن او؟ ["آمین!"]

۱۸۹- آیا به آنچه امروز در حال شکل‌گیری است ایمان دارید؟ نگاه کنید، همه چیز براساس عقلانیت است. همه چیز قبل از اینکه به آن ایمان بیاورند، باید از نظر علمی اثبات گردد.

۱۹۰- و شما نمی‌توانید خدا را از نظر علمی اثبات کنید. شما باید او را با ایمان پذیرید. "لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است، زیرا هر که تقرّب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد براینکه او هست و جویندگان خود را جزا می‌دهد." ۳۸

۱۹۱- اوه خداوندا! نمی‌خواهم چیزی را بشناسم، به جز خون عیسی مسیح که من را از گناهان پاک می‌سازد. همان‌طور که پولس در گذشته گفت، من امشب می‌گویم: "زیرا که عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب." ۳۹

۱۹۲- این تمام چیزی است که برای گفتن به شما می‌دانم، که با تمام قلبم به این کتاب مقدّس، بعنوان کلام ناب و کامل خدا ایمان دارم (اگر قلب خود را بشناسم). توسط آن می‌ایستم، و اگر ده‌هزار بار دیگر حیات یابم می‌خواهم که هر ذره‌ی آن را برای این کلام بدهم، زیرا این کلام عیسی مسیح است. اهمیتی نمی‌دهم که چقدر در تلاش هستند تا آن را مخدوش سازند و یا تکذیب کنند، و یا علم چقدر تلاش می‌کند تا بگوید که این کلام قابل اعتماد نیست. برای من، تنها چیزی که می‌توانم در این جهان به آن اعتماد کنم، این کلام است. او از آن من است. او را دوست دارم. شما چنین نیستید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۹۳- اگر گناهی در قلب شماست، اگر خطایی در قلب شماست، اگر هر مشکلی دارید، اکنون دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را ببخشد. برای من دعا کنید، من هم برای شما دعا خواهم نمود. دعای من این است که خدا شما را برکت بدهد.

تا دیدار دوباره، تا دیدار دوباره

تا دیدار دوباره خدا با شما باشد

۳۸ عبرانیان ۱۱ : ۶

۳۹ اول قرنتیان ۲ : ۲

۱۹۴- آیا دوستدار یکدیگر هستید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] یوحنا می گفت: "فرزندان، یکدیگر را محبت نمایند. یکدیگر را محبت نماید، زیرا محبت کثرت گناه را می پوشاند." <sup>۴۰</sup> حال بیایید با یکدیگر دست بدهید.

تا دیدار دوباره، تا دیدار دوباره

تا دیدار دوباره خدا با شما باشد

۱۹۵- با یکدیگر مهربان باشید. با همه مهربان باشید. با همسایه‌ی خویش درست رفتار کنید. تا آمدن مسیح، خود را بی لگه نگاه دارید.

تا دیدار دوباره، تا دیدار دوباره

تا دیدار دوباره خدا با شما باشد

۱۹۶- او را دوست دارید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] این دعای من است. برای من دعا کنید و من نیز برای شما دعا خواهم نمود. اکنون باید به توکسان <sup>۴۱</sup> بازگردم. دعا می کنم که، که خدا همه‌ی شما را برکت بدهد. من از آنجا به کانادا خواهم رفت و بعد به کلورادو <sup>۴۲</sup> و بعد، و بعد... همینطور در سفر هستم تا زمانی که... می بینید؟

۱۹۷- برادر تونی <sup>۴۳</sup> آنجاست و اتفاقات بزرگی آنجا رخ داده است. درست در کنار واتیکان در روم، آنها در حال دعوت به یک بیداری هستند. یک جلسه برای من تا بروم و آن جلسه را برای بیداری در روم برگزار کنم. او به تازگی از آنجا بازگشته است. آنها در آنجا یک سالن بزرگ را گرفته‌اند که گنجایش هزاران نفر را دارد و از من می خواهند که به آنجا بروم. آنها می خواهند جلال خدا را در این خدمت ببینند.

<sup>۴۰</sup> اول پطرس باب ۵

<sup>۴۱</sup> Tucson

<sup>۴۲</sup> Colorado

<sup>۴۳</sup> Tony

نمی‌دانم، باید برای آن دعا کنم و ببینم که خدا در این مورد به من چه خواهد گفت. اوه  
خداى من! يادتان باشد دعا كنيد. همه باهم.

آمدن منجی را در انتظار هستیم  
هان، اینک برگ‌های انجیر سبز شده‌اند  
انجیل ملکوت او به همه‌ی امت‌ها برده شده است  
و ما نزدیک به انتها هستیم، آیا دیده می‌شود

۱۹۸- آیا درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

با شادی پیشرو پیغام ظهور مبارک او هستیم  
بزودی او در جلال می‌آید تا به همه بگوید  
برخیزید مقدّسین خداوند! چرا در خواب هستید؟  
پایان نزدیک است  
برای آن دعوت نهایی آماده می‌شویم

۱۹۹- بخاطر داشته باشید که خورشید در غرب فرو خواهد رفت و دوباره بازمی‌گردد.  
حتماً همینطور است. پس تا آن موقع...

نام عیسی را با خود بگیرید  
فرزندان سوگ و فغان  
به شما شادی و راحتی خواهد داد  
هرجا روید آن را بگیرید  
نام پربها، (نام پربها) اوه چه زیبا!  
امید زمین و شادی آسمان  
نام پربها، (نام پربها) اوه چه زیبا!



امید زمین و شادی آسمان  
در نام عیسی زانو زنند  
به پایش بر خاک افتند  
شاه شاهان، او را در آسمان تاجگذاری می‌کنیم  
وقتی سفر ما به پایان رسیده باشد  
نام پربها، (نام پربها) اوه چه زیبا!  
امید زمین و شادی آسمان

۲۰۰- حال با سر و قلبی خم گشته، بند آخر را دوباره با هم بخوانیم

نام عیسی را با خود بگیرید  
سپر هر دام و هر تله  
وقتی وسوسه‌ها شما را دربر می‌گیرد

(این چیزها از ملکوت شیطان است. می‌بینید، می‌بینید؟)

فقط آن نام مقدّس او را در دعا ذکر کن

۲۰۱- همین است. سپس دور شوید. من این را امتحان کرده‌ام. اکنون فقط ایمان داشته باشید، زیرا اثرگذار است. فقط نام او را در دعا ذکر کنید.

نام عیسی را با خود بگیرید  
سپر هر دام و هر تله  
وقتی وسوسه‌ها شما را دربر می‌گیرد

(آن وقت شما چه می‌کنید؟)

فقط نام قدّوس او را در دعا ذکر کن

(آن حجاب در برابر روی شما قرار خواهد گرفت)

نام پربها، (نام پربها) اوه چه زیبا!

امید زمین و شادی آسمان

۲۰۲- حال درحالی که از برادر استل بیلر<sup>۴۴</sup> می‌خواهم به جایگاه بازگردد، سرهایمان را

خم می‌کنیم. [برادر برانهام دوباره آن سرود را با خود زمزمه می‌کند.]

۲۰۳- برادربیلر، با دعای خود ما را مرخص کنید.

نام پربها...

امید زمین، شادی آسمان

نام پربها، (نام پربها) اوه چه زیبا!

امید زمین و شادی آسمان

۲۰۴- حال درحالی که سرهایمان را خم نموده‌ایم و قلب‌های ما نیز در حضور خداوند

خم گشته است... یکی از همکاران ما، برادر بیلر، برادر استل بیلر، یک مسیحی خوب و

وفادار، می‌خواهم از او درخواست کنم که حضار را با دعای خویش بدرقه کند. برادر

بیلر خدا به شما برکت بدهد.

نگاه کنید، هنگامی که عیسی آمد، شیطان در بین آن معلمان یهودی، ربی‌ها و کاهنان بود و تلاش می‌کرد به آنها بگوید که به شریعت موسی پایبند باشند. درحالی که همان کلام گفته بود که پسر انسان آشکار خواهد شد. می‌بینید، که خود را آشکار خواهد ساخت. از اینرو، آنها در تلاش بودند تا به مذهب خود و شریعت موسی پایبند باشند. می‌بینید شیطان چه می‌کرد؟ او تلاش می‌کرد تا به آنها بگوید: "این بخش کلام کاملاً درست است، ولی این مرد آن فرد مورد نظر نیست." می‌بینید که او چقدر مکار است؟ این، همان روز فریبکاری است.

## William Marrion Branham

### Satan's Eden

Jefersonville, Indiana

65-0829